

# آموزش مقدماتی وزن به زبان ساده

دکتر سید مهدی موسوی



# آموزش مقدماتک وزن

## به زبان ساده

دکتر سید مهدی موسوی

گردآوری: فاطمه اختصاری

۱۳۹۰



# جلسه اول آموزش وزن

## به زبان ساده

حتی خیلی از بچه های قوی شاعر و داستان نویس اصول اولیه ی عروض و قافیه را نمی دانند. کتاب هایی مثل «عروض و قافیه ی دکتر شمیسا» هم بیشتر علمی هستند تا کاربردی. یعنی به درد کسی که فقط می خواهد وزن و قافیه را در حد مقدماتی یاد بگیرد و اشکالات وزنی شعرش را برطرف کند زیاد نمی خورد. پس فعلا تصمیم گرفتیم روش ساده ای را در چند جلسه برای آموزش مقدماتی عروض و قافیه امتحان کنیم. اما یادتان باشد که راز موفقیت شما شعر خواندن زیاد و حفظ کردن و تمرین آموخته هاست:

هر شعری که گفتید را در اولین مرحله تقطیع کنید.

یعنی چی؟

یعنی بخش بخش بخوانید و آن بخش ها را زیر مصرع های شعر بنویسید. یادتان باشد که بخش ها را آنگونه که می خوانیم تقطیع کنید نه آنگونه که می نویسیم. مثلا «خواهر به مگه رفته» می شود: «خا هر ب مک ک رف ت». این موضوع یکی از اصولی ترین چیزهایی ست که باید همیشه یادتان باشد.

حالا به هر کدام از این بخش ها یک «هجا» می گوئیم که سه حالت دارد:

۱- یک حرفی: که به آن هجای کوتاه می گویند مثلا: تَ تَ تَ

۲- دو حرفی: که به آن هجای بلند می گویند مثلا: ما، می، مو، در، بز، هم، سد

۳- سه حرفی و بیشتر: که به آن هجای کشیده می گویند مثلاً: است، باز، ایست، پودر،

سارتر

علامت هجای کوتاه: U    علامت هجای بلند: \_    علامت هجای کشیده: U\_

مثال: توانا بُود هر که دانا بود

ت وا نا ب ود هر ک دا نا ب ود

\_U \_U \_U \_U

فعلاً به هر شعری که رسیدید بدون توجه به اختیارات شعری و درست و غلط بودن، این

روش را امتحان کنید تا فردا با جزئیات عروض و قافیه آشنا شویم. چیزی که امروز

آموختیم پایه و اصل یادگیری وزن بود.

# جلسه دوم آموزش وزن

## به زبان ساده

احتمالاً این دو روز، حسابی وزن هر مصرع و شعری را که گیر آورده اید گرفته اید و حالا می خواهید با دانستن اختیارات و قوانین و استثنائات، دانسته های جلسه ی اول خود را کاربردی کنید.

اولین نکته ی جلسه ی دوم، این است که جز دو مورد استثناء، ما همیشه این هجاهای کوتاه و بلند را که حاصل تقطیع هستند «چهارتا چهارتا» جدا می کنیم و به هر چهارتایی یک رکن می گوئیم. پس وقتی می گویند ارکان عروضی همین «چهار تا هجاها» را می گویند.

اما مهم ترین استثنای این جلسه آن است که وقتی هجای کشیده ای (سه حرفی) داشته باشیم که از «صامت» (حروف الفبا) + مصوت بلند (ا ای او) و «ن» تشکیل شده باشد استثنائاً به هجای بلند تبدیل می شود.

خب این که خیلی سخت شد به زبان ساده اش اگر هجایی اینجوری بود: جان جین جون، دان دین دون، سان سین سون، کان کین...

مثلاً طبق آموخته های جلسه اول «باران» می شود: با ران یعنی \_ \_ U

اما طبق استثنایی که این جلسه خوانده ایم «ران» هجای بلند محسوب شده

و «باران» می شود: \_ \_

در انتهای مصرع ها و نیم مصرع ها (تعریف نیم مصرع را بعدا خواهیم خواند فعلا با آن کاری نداشته باشید) ممکن است سه حالت اتفاق بیفتد:

۱- مثلا «دوش دیدم که ملائک در میخانه زدند» هجای آخر می شود «دند» که هجای

کشیده بوده و می شود: U \_

۲- مثلا «سالها پیروی مذهب رندان کردم» هجای آخر می شود «دم» که هجای بلند بوده

و می شود: \_

۳- مثلا «من مست و تو دیوانه، ما را که برد خانه؟!» هجای آخر می شود «ن» که هجای

کوتاه بوده و می شود: U

هجاهای کشیده و بلند در انتهای مصرع بیشترند و کمتر به هجای کوتاه برمی خوریم ولی

نکته در اینجاست که هر سه مورد هر هجایی داشته باشیم به هجای بلند تبدیل می شود!!

یعنی «زدند» را در انتهای مصرع می نویسیم: U \_ (هجای کوتاه پایانی حذف می شود)

یعنی «کردم» را در انتهای مصرع می نویسیم: \_ \_

یعنی «خانه» را در انتهای مصرع می نویسیم: \_ \_

یادمان باشد که این اتفاق ها فقط در آخر مصرع می افتد!



حالا با دانسته های جلسه ی اول و دو استثنایی که در این جلسه آموخته ایم ده مصرع  
(پنج بیت) ابتدایی مثنوی معنوی را تقطیع کنید و به شیوه ای که اول پست گفتم هجاهای  
کوتاه و بلند ایجاد شده را چهارتا چهارتا جدا کنید. جلسه ی بعد هم استثنای جدیدی را  
خواهیم آموخت و هم این تمرین را مرور خواهیم کرد.

# جلسه سوم آموزش وزن

## به زبان ساده

در این جلسه ابتدا با انجام تمرین جلسه ی قبل، نکاتی را که یاد گرفته ایم مرور می کنیم. قرار است دو بیت اول مثنوی معنوی را با دانسته هایمان تقطیع کنیم و بعد در خلال آن درس های تازه ای بیاموزیم:

بشنو از نی چون حکایت می کند

بشن ن از نی چن ح کایت می ک ند

\_ U \_ / \_ \_ U \_ / \_ \_ U \_

همانجور که خوانده بودیم چهارتا چهارتا جدا کردیم و سه رکن ایجاد شد.

از جدایی ها شکایت می کند

از ج دایی ها ش کایت می ک ند

\_ U \_ / \_ \_ U \_ / \_ \_ U \_

کز نیستان تا مرا ببریده اند

کز ن یس تان تا م را بب ری د اند

\_ U \_ / \_ \_ U \_ / \_ \_ U \_

می بینید که باید به آن نکته ی طلایی دقت کرد. یعنی خوانش درست شعر! مثلاً «که از»  
را در این مصرع همیشه «کز» می خوانیم یا می گوییم «ب ری ده» یعنی «ب» دوم را با  
علامت ساکن می خوانیم. البته در شعر معاصر مشکلات اینجوری خیلی کمتر است.

و همچنین در انتهای مصرع هم هجای کشیده بوده که هجای کوتاه انتهایی را طبق قانون  
جلسه ی قبل حذف کرده ایم

از نفیرم مرد و زن نالیده اند

از ن فی رم مرد زن نالی د اند

\_ U \_ / \_ \_ U \_ / \_ \_ U \_

در اینجا هم دقت می کنید که در فارسی «و» را در میانه ی کلام، «ضمه» تلفظ می کنیم

و در تقطیع می خوانیم: «مر دُ زن»

خب حالا متوجه شده اید که ارکان مصرع های تولید شده، دقیقاً یکی هستند! پس به یک

قانون می رسیم:

وزن همه ی مصرع های یک شعر دقیقاً یکی است!

پس مثلاً اگر شاهنامه ۵۰ هزار بیت هم باشد وزن صد هزار مصرعش باید دقیقاً یکی باشد!

یک نکته ی جذاب تر آن است که ارکان یک مصرع هم شبیه هم هستند و آخرین رکن هم که گاهی (مثل همین مثال) مانند بقیه نیست در واقع همان است که نصفه مانده و اگر ادامه اش دهیم مثل رکن های بعدی می شود.

رکن تکراری در اینجا این است: \_ \_ U \_ \_

در واقع باید گفت که تمامی وزن های شعر فارسی دو حالت دارند:

۱- متحد الارکان: تمامی ارکان مصرع، مثل هم هستند

مثل همین مثال شعر مولوی (نیمه تمام بودن رکن آخر مهم نیست)

۲- متناوب الارکان: ارکان مصرع، یکی در میان شبیه هم هستند

مثلاً وزن این مصرع:

تنها نگاه پشت سری ماند رو به ما (سعید آرمات)

\_ U / \_ U \_ \_ / U U \_ U / \_ U \_ \_

می بینیم که رکن اول و سوم شبیه هم هستند و رکن دوم و چهارم هم شبیه هم (البته رکن چهارم نیمه کاره مانده)

پس در واقع اگر شعری گفتید که ارکان آن نه متحدالارکان بودند و نه متناوب الارکان! پس این شعر شما وزن غیر عروضی دارد و اصلاً گوش نواز نیست. حتی تمامی وزن هایی که «سیمین بهبهانی» در سال های اخیر ساخته همگی از این قانون پیروی می کنند.

اما نکته ی آخر که خیلی ها را دچار مشکل کرده بود.

«آ»ی باکلاه اگرچه ظاهراً یک حرفی است اما در واقع همزه ای است که مصوت بلند «ا» دارد. در واقع ما کلاه آن را هم یک حرف محسوب می کنیم. پس «آ» دو حرفی بوده و هجای بلند است.

مثال: آتش \_ \_

برای جلسه ی بعد، بیت سوم مثنوی معنوی را تقطیع خواهیم کرد و درس جدیدی را خواهیم آموخت. از این به بعد هر مصرعی را که تقطیع می کنید متناوب یا متحد بودن آن را هم مشخص کنید. در ضمن با بقیه ی مصرع های آن شعر هم مقایسه کرده و همانندی آنها را بسنجید.

# جلسه چهارم آموزش وزن

## به زبان ساده

امروز شاید سخت ترین روز آموزش وزن باشد. یعنی تا حالا این چهار، پنج تا نکته ای که خواندیم قوانین ثابتی هستند که بعد از چند بار تمرین ملکه ی ذهن می شوند و فوکش آدم روی کاغذ کوچکی یادداشت می کند و هفته های اول به آن رجوع می کند. اما قانون امروز نیاز به یک شناساگر فعال دارد! یعنی هوش و دقت شما هم در گرفتن وزن دارای اهمیت می شود. پس مطلب را با دقت بخوانید و تا جلسه ی بعد حسابی تمرین کنید.

قانون امروز: هجای کوتاه آخر کلمه بنا به ضرورت می تواند با شدت خوانده شده و هجای بلند محسوب شود. به این اختیار شاعری «اشباع» می گویند.

مطمئناً کلمات تک هجایی مثل «که»، «به»، «تو» و... چون هجای اول و آخرشان یکی ست می توانند در مواقع ضروری با شدت خوانده شده و به بلند محسوب شوند.

راه های شناسایی اختیار اشباع:

برای این کار از سه روش استفاده می کنیم که به مثلث طلایی معروف است و برای تشخیص همه ی اختیارهای شعری و حتی درست بودن تقطیع، می توان از آن استفاده کرد:



### ۱- سماعی (گوشی):

با استفاده از شکل خواندن و تاکید و شدتی که در خواندن هجای کوتاه آخر کلمه برای حفظ ریتم و وزن وجود دارد می توان حتی با گوش این موضوع را تشخیص داد. امروزه که کار از این هم راحت تر شده و شاعران در خیلی از جاهایی که از اشباع استفاده می کنند زیر هجای آخر کلمه «کسره» را می گذارند تا آن شدت را نشان دهند.

### ۲- مقایسه با دیگر ارکان (متناب و متحدالارکان بودن):

اگر ارکان حاصل از تقطیع، نه متناب هستند و نه متحد. و بعد با مقایسه ی رکن ها می بینیم که در یکی از آنها به جای هجای بلند، هجای کوتاه داریم! می توانیم شک کنیم که هجای پایانی کلمه بوده و احتمالا از اختیار اشباع استفاده شده و باید آن را چک کنیم.

### ۳- مقایسه با دیگر مصرع های آن شعر:

تمام مصرع های یک شعر باید وزن یکسان داشته باشند. پس اگر یکی فرق داشت و به جای هجای بلند، هجای کوتاه نشسته بود اولین شکی که باید بکنیم استفاده از اختیار «اشباع» است!

خب حالا مصرع بعدی مثنوی معنوی را تقطیع می کنیم تا این اختیار را مرور کنیم:

سینه خواهیم شرحه شرحه از فراق

سی ن خاهم شرح شرح از ف راق

\_ U \_ / U \_ U \_ / \_ \_ U \_

دقت می کنیم که «خواهم» را به شکلی که می خوانیم تقطیع کنیم درضمن هجای کشیده ی انتهای مصرع را هم به بلند تبدیل می کنیم اما هنوز درست در نمی آید و با مصرع های بالایی فرق دارد. اگر یادتان باشد در جلسات قبل، چهار مصرع اول وزنشان این بود:

\_ U \_ / \_ \_ U \_ / \_ \_ U \_

از مقایسه ی این دو متوجه می شویم که پایینی متحدالارکان و درست به نظر می رسد اما فرق دو وزن، تفاوت یک هجای کوتاه و بلند است. پس شک می کنیم که در بالایی اختیار «اشباع» به کار رفته است. با چک کردن متوجه می شویم که هجای کوتاه پایان کلمه است و از شگمان اطمینان حاصل کرده و هجای کوتاه را به هجای بلند تبدیل می کنیم.

یادمان باشد که برای شناسایی وزن یک مصرع، آن را با وزن کل شعر مقایسه می کنیم نه همان بیت! چون ممکن است آن اختیار در هر دو مصرع یک بیت به کار رفته باشد و مصرع ها با هم تفاوتی نداشته باشند.

برای تمرین این اختیار، این بیت حافظ را هم تقطیع کنید:

شب تاریک و بیم موج و گردابی چنین هایل / کجا دانند حال ما سبکباران ساحل ها؟!

در جلسه ی بعد، در ادامه ی بررسی ابیات مثنوی معنوی، مصرع بعدی همین بیت را تقطیع می کنیم تا اختیار شاعری دیگری را یاد بگیریم. خبر خوش آن است که بعد از خواندن اختیار جلسه ی بعد، شما می توانید ۹۵٪ اشعار فارسی را بی هیچ مشکلی تقطیع کنید. یادتان باشد که زیاد شعر بخوانید، زیاد حفظ کنید و به هر شعری که رسیدید غلط یا درست بنشینید و آن را تقطیع کنید. این راز موفقیت است.

# جلسه پنجم آموزش وزن

## به زبان ساده

بعد از یاد گرفتن مطالب این پست، تقریباً شما به اصول عروض مسلط شده اید و می توانید خیلی از شعرها را بدون هیچ مشکل خاصی تقطیع کنید. می ماند پاره ای اختیارات و استثناءها که به مرور فرا خواهیم گرفت. خیلی خوشحالم که وقتی شوق و لطف بسیاری از دوستانم را می بینم که تا همین ماه پیش چیزی از عروض نمی دانستند و امروز به راحتی وزن هر شعری را تشخیص می دهند.

در جلسات قبلی ۵ مصرع ابتدایی مثنوی معنوی را با هم تقطیع کردیم. امروز نوبت مصرع ششم است:

تا بگویم شرح درد اشتیاق

تا بگویم شرح درد اش تی یاق

\_\_\_ / U \_ U \_ / \_\_\_ U \_

اما در پست های قبلی یاد گرفتیم که وزن اصلی شعر این است:

\_ U \_ / \_\_\_ U \_ / \_\_\_ U \_

هجای آخر رکن دوم «د» است و هجای کوتاه انتهای کلمه ی «درد»! پس می تواند به بلند تبدیل شود یعنی:

\_\_\_ / \_\_ U \_ / \_\_ U \_

اما می بینیم که هنوز هجای دوم رکن سوم با وزن اصلی متفاوت است

این به خاطر قانونی است که امروز می خوانیم:

اگر هجای بلند «صامت+ی» (مثل پی، شی، یی و...) در میانه ی کلمه به مصوت دیگری برسد همواره هجای کوتاه محسوب می شود.

مثلا گیاه می شود <--- گی یاه U \_ U

یادمان باشد که آن «ی» را برای راحتی تلفظ اضافه کرده ایم و در واقع «گی» به «آ» رسیده است

مثلا فیوز می شود <--- فی یوز U \_ U

در اینجا هم هجای بلند «فی» به مصوت «او» رسیده است

مثلا کلمه ای مثل «اشتقاق» می شود:

اش تی یاق \_ U \_ U

حالا اگر اگر هجای بلند «صامت+ی» (مثل پی، شی، یی و...) در میانه ی کلمه به مصوت دیگری برسد در اکثر اوقات هجای کوتاه محسوب می شود.

یعنی ما در موقع تقطیع همواره وقتی مصوت «ای» به مصوت دیگری برسد آن را کوتاه محسوب می‌کنیم اما اگر این اتفاق در انتهای کلمه باشد گاهی به صورت استثناء و با اختیار شاعری و استفاده از همان مثلث طلایی که جلسه ی قبل گفتیم می‌توان آن را بلند محسوب کرد.

نکته: در مثال های «میانه ی کلمه» دیدید که در اکثر اوقات مثل «سیاست» مصوت «ای» به «آ» می‌رسد. در مثال های «انتهای کلمه» خواهید دید که در اکثر اوقات مثل «بازی» مصوت «ای» به کسره می‌رسد.

مثلا ترکیب «بی خوابی مفرط» می‌شود:

بی خا بی یِ مِ فِ رِ طِ

\_\_ U U \_\_

می بینیم که هجای بلند «بی» به صورت پیش فرض به علت رسیدن به مصوت «کسره» کوتاه محسوب شده است.

برای جلسه ی بعدی شعر «مزرع سبز فلک دیدم و داس مه نو» «حافظ» را تقطیع کنید. مصرع هایی از آن را که دوستان اشکال داشته باشند در وبلاگ تقطیع خواهیم کرد و در خلال آن یک اختیار شاعری بسیار ساده را یاد خواهیم گرفت.

# جلسه ششم آموزش وزن

## به زبان ساده



احتمالا با تقطیع تمرین این جلسه حسابی گیج شده اید. احتمالا هر کار کرده اید وزن شعر نه متحدالارکان بوده نه متناوب الارکان! ناراحت نباشید... همه چیز زیر سر اختیار شاعری بوده که قرار است در این جلسه آموزش داده شود. اما قبل از پرداختن به آن، با مقایسه ی مصرع ها با هم اختیاراتی را که قبلا خوانده ایم مرور می کنیم:

مزرع سبز فلک دیدم و داس مه نو

مزرع سبز فلک دیدم داس مه نو

(یادتان باشد که کلماتی مثل «نو» به صورت now تلفظ می شوند و باید دو حرفی به

حساب بیایند)

\_UU/U\_UU/\_\_UU/\_UU\_

نکته: هیچگاه در هیچ وزن فارسی سه هجای کوتاه پیاپی نداریم. اگر در وزنی این موضوع را دیدید (مثل انتهای رکن سوم و ابتدای رکن چهارم در مثال بالا) به اختیار شاعری نظیر اشباع شک کنید.

یادم از کشته ی خویش آمد و هنگام درو

(درست خوانی، مهم ترین نکته ی این مصرع است. شعر را با خودتان بلند بخوانید تا بدانید در کجاها «الف» از خوانش حذف می شوند و باید چه جور تقطیع کنید)

یا د مز کش ت ی خی شام دهن گام درو

\_UU / \_\_UU / \_\_UU / \_\_U\_

(می بینید که در این مصرع هم سه هجای کوتاه پشت سر هم نداریم هم رکن های دوم و سوم و چهارم شبیه هم هستند پس این مصرع می تواند به وزن اصلی شعر نزدیک تر باشد)

گفتم: ای بخت بخسبیدی و خورشید دمید

گفت می بخت ب خس بی دی ی خر شید دمید

(به جز درست خوانی «گفتم ای»، نکته ی مهم این مصرع رسیدن «دی» به مصوت ضمه است که باید کوتاه محسوب شود. دقیقاً مثل «بازی»)

\_UU / \_\_UU / \_\_UU / \_\_U\_

(می بینید که این مصرع هم مثل مصرع دوم است و جز رکن اول، متحد الارکان است)

در مقایسه ی مصرع اول با مصرع های بعدی متوجه می شویم که تفاوت در دو هجای کوتاه و بلند است که در هر دو مورد اختیار اشباع به کار رفته است. هر وقت در مقایسه ی

مصرع ها در بعضی هجای کوتاه و در بعضی هجای بلند دیدید به اختیار اشباع مشکوک شوید.

اما چرا وزن اصلی ما ظاهرا متحدالارکان نیست؟ به خاطر این اختیار شاعری:

اگر در ابتدای مصرع دو هجای کوتاه UU داشته باشیم می تواند با استفاده از اختیارات به یک بلند و یک کوتاه \_ U تبدیل شود.

مثال: هر سه مصرع بالا!

پس وزن اصلی شعر که متحدالارکان است از این قرار است:

\_UU / \_\_UU / \_\_UU / \_\_UU

نکته ی بامزه آن است که در تمامی مصرع های این غزل از این اختیار استفاده شده است! اما با این وجود اگر باز هم بخواهیم که وزن اصلی شعر را بگوییم وزن بالا را می نویسیم چون وزن اصلی شعر حتما باید متحدالارکان یا متناوب الارکان باشد.

برای جلسه ی بعد بیت سوم همین غزل را تمرین کرده و در خلال آن اختیار شاعری دیگری را یاد خواهیم گرفت. توصیه ام به دوستان این است که فعلا با غزل های حافظ و سعدی تمرین کنند که از اختیارات شاعری کمتری در آنها استفاده شده است.

# جلسه هفتم آموزش وزن

## به زبان ساده

خب امروز به بیت بعدی غزل حافظ می‌رسیم:

گر روی پاک و مجرد چو مسیحا به فلک

گر روی پاک م‌جر رد چ م‌سی‌حاب ف‌لک

\_UU / \_\_UU / \_\_UU / \_\_U\_

که با توجه به آنکه خواندیم دو هجای کوتاه بی‌پای اول مصرع U U ، قابل تبدیل به U \_  
است می‌فهمیم که وزنی که متحداً لارکان بوده و وزن اصلی شعر است این است:

\_UU / \_\_UU / \_\_UU / \_\_UU

و اما مصرع بعد:

از چراغ تو به خورشید رسد صد پرتو

از چ‌راغ‌ت‌ب‌خ‌رشید‌ر‌سد‌صد‌پ‌رتو

\_\_ / \_\_UU / \_\_UU / U\_U\_

در رکن اول که هم UU به U \_ تبدیل شده و هم «غ» اشباع شده است. پس می‌شود:

\_\_ / \_\_UU / \_\_UU / \_\_UU

اما می بینیم که کلا تعداد هجاهای حاصل، کمتر از وزن اصلی است. هر وقت درست تقطیع کرده بودید اما تعداد هجاها کمتر از وزن اصلی بود مطمئن باشید که از قاعده ای به نام «تسکین» استفاده شده است.

قاعده ی تسکین: به جز ابتدای مصرع، در تمام جاهای دیگر مصرع می توان به جای دو هجای کوتاه U U در وزن اصلی، یک هجای بلند \_ به کار برد. (در عروض فارسی هیچوقت برعکس این اتفاق ممکن نیست)

پس در واقع در اینجا در ابتدای رکن چهارم، هجای بلند به جای دو هجای کوتاه نشسته است. اگر تسکین در رکن های میانی مصرع اتفاق بیفتد کمی پیدا کردنش سخت می شود. آن وقت باید رکن های دیگر را که مشابه وزن اصلی هستند پیدا کنیم. رکنی که در آن وسط سه هجایی باقی می ماند رکنی است که در آن از اختیار «تسکین» استفاده شده است.

برای جلسه ی بعدی بیت بعدی همین غزل را تقطیع کنید: «تکیه بر اختر شب...»

الان شما می توانید تقریبا اکثر شعرهای حافظ، سعدی، محمدعلی بهمنی و... را تقطیع کنید. نکات کوچکی مانده که در جلسه ی بعد می رویم سراغشان.

# جلسه هشتم آموزش وزن

## به زبان ساده

احتمالا در این چند روز دیگر مشکل چندانى با وزن نداشته ايد. اما هنوز هم شعرهايى هستند كه كلا هر كار مى كنيد نه متحدالاركان مى شوند و نه متناوب الاركان. خيلى از غزليات مولوى و سيمين بهبهانى از آن جمله اند. بايد ببينيم علت چيست!

اتفاق است آنكه با يك شعر، اينكه با يك نگاه مى افتد

اتفاقست آن ك با يك شعر اين ك با يك نگاه مى افتد

\_\_\_ U \_ U \_\_\_ U \_ U \_\_\_ U \_ U \_\_\_ U \_

وزن كاملا درست گرفته شده اما شلم شورباى حاصل، تقريبا هيچ جورى نه متحدالاركان مى شود نه متناوب الاركان. چاره چيست؟

اگر دقت كنيد وزن از دو پاره ي مساوى اين شكلى تشكيل شده كه تكرر مى شود:

\_\_\_ U \_ U \_\_\_ U \_

(البته اولى يك هجاي کوتاه زيادى هم در انتها دارد)

اين شعرها را به راحتى با گوش مى شود تشخيص داد. يعنى هر مصرع به دو نيم مصرع تقسيم مى شود و در وسط مصرع براى درست خواندن بايد مكث كنيم. در ۹۰٪ موارد نيم مصرع ها سه ركنى هستند. تمام قوانينى كه براى مصرع ها صادق است براى نيم مصرع



ها هم صادق است. می بینیم که در مثال بالا «هجای کشیده» در پایان نیم مصرع اول به «هجای بلند» تبدیل شده است. به این وزن ها «وزن ذُوری» می گویند.

پس وزن شعر باید ۲ بار تکرار این نیم مصرع باشد:

\_\_/\_U\_U/\_\_U\_

اما می بینیم که این نیم مصرع هم متناوب الارکان و متحدالارکان نیست. پس مجبوریم از مقایسه با یک مصرع دیگر شعر کمک بگیریم:

چمدانی که منتظر مانده، اتوبوسی که راه می افتد

چ م دانی ک من ت ظر مان د ، ا ت بوسی ک راه می اف تد

\_\_/\_U\_U/\_\_UU \_\_/\_U\_U/\_\_UU

(«د» در «مانده» چون هجای کوتاه انتهای نیم مصرع است به هجای بلند تبدیل شده است)

با مقایسه ی دو مصرع می فهمیم

که در رکن اول از اختیار استفاده شده و در مصرع «اتفاق است...» در ابتدای هر دو نیم مصرع، دو هجای کوتاه U U به یک هجای بلند و یک هجای کوتاه U \_ تبدیل شده است. پس وزن اصلی می شود:

\_\_/\_U\_U/\_\_UU

برای متناوب الارکان بودن باید رکن سوم تکرار رکن اول باشد. یعنی:

\_ U U / \_ U \_ U / \_ \_ U U

پس وزن اصلی شعر را که متناوب الارکان بود به دست آوردیم. با توجه به این نکته که در هر چهار نیم مصرعی که داشتیم در رکن سوم از اختیار «تسکین» استفاده شده و دو هجای کوتاه U U به یک هجای بلند تبدیل شده است.

برای تمرین بیشتر این شعر را از کتاب «پرندۀ کوچولو؛ نه پرندۀ بود! نه کوچولو!» پیدا کنید و کل شعر را تقطیع و مقایسه کنید تا وزن های دُوری ملکه ی ذهنتان بشود.

الان بسیاری از اصول شعر را یاد گرفته اید. سعی کنید با غزل های شاعران نئوکلاسیک سرا تمرین کنید. یاد گرفتن این اصول کاری ندارد فقط نکته ی مهم تکرار و تکرار است.

جلسه نهم آموزش وزن

به زبان ساده

این شما و این هم آموزش نام رکن های عروض که باید تا فردا حفظ کنید:

نام رکن ها دقیقا معادل وزن تقطیعی آنهاست که با کمک «ف ع ل» ساخته شده است.

رکن های ۴ تایی که بیشتر کاربرد دارند از این قرار هستند:

مفاعیلن U \_ \_ \_

فاعلاتن \_ U \_ \_

مستفعلن \_ \_ U \_

--

مفاعیلُ U \_ \_ U

فاعلاتُ U \_ U \_

مستفعلُ U U \_ \_

--

مفاعلن \_ U \_ U

فعالتن \_ \_ U U

مفتعلن \_ U U \_

--

U \_ U U فعلات

رکن های سه تایی از این قرار هستند:

\_ U U فَعْلَن

\_ U \_ فاعلن

-- U فعولن

--- مفعولن

U -- مفعولٌ

رکن های دو هجایی و یک هجایی:

\_ U فَعْل

-- فَعْلَن

فَعْل

از الان برای تمامی شعرهایی که تقطیع می کنید در ابتدا وزن اصلی را پیدا کنید و رکن های وزن اصلی را مشخص کنید و زیرش اسم رکن ها را بنویسید تا ملکه ی ذهنتان شود. این دو روز فقط این کار را انجام دهید تا این ۱۸ نام کاملا در ذهنتان جا بگیرد. از جلسه ی بعد به سراغ رباعی و دوبیتی هم خواهیم رفت.

جلسه دهم آموزش وزن

به زبان ساده

کمی جلسات قبل سخت بوده؟ چون تمرین نمی کنید! چون ما ایرانی ها همیشه پر از شور و احساسات شروع می کنیم و این شور خیلی زود فروکش می کند و تنبلی همیشگی مانع تلاش شبانه روزی برای رسیدن به هدفمان می شود. یادتان باشد اگر روزی ۱ ساعت تمرین نکنید به جاهای خوب عروض نمی رسید. یادتان باشد که روزهای خوب می آید حتی اگر آن روز ما دیگر نباشیم...

یک دوبیتی زیبا از شاعر و داستان نویس بزرگ کرجی «علی کریمی کلایه» را می خوانیم و تقطیع می کنیم:

برای دین به دنیا پشت کردم

ب را ی دین ب دن یا پشت کردم

\_\_ U / \_\_\_ U / \_ U \_ U

دلّم را صاف چون زرتشت کردم

دلّم را صاف چن زرتشت کردم

\_\_ U / \_\_\_ U / \_\_\_ U



رفیقان مشت خود را باز کردند

رفیقان مشت خود را باز کردند

\_\_ U / \_\_\_ U / \_\_\_ U

ولی من دست خود را مشت کردم

ولی من دست خود را مشت کردم

\_\_ U / \_\_\_ U / \_\_\_ U

از مقایسه ی چهار مصرع با همدیگر می فهمیم که در مصرع اول از اختیار شاعری «اشباع» استفاده شده و «ی» در «برای» چون هجای کوتاه آخر کلمه است می تواند به هجای بلند تبدیل شود.

همچنین می فهمیم که وزن اصلی شعر این است:

\_\_ U / \_\_\_ U / \_\_\_ U

مفاعیلن مفاعیلن فعولن

در واقع وزن اصلی همه ی دوبیتی های فارسی همین است. دوبیتی را در قدیم «پهلویات» یا «پهلویات» نیز می نامیدند. برای تمرین بیشتر از ترانه های باباطاهر یا حتی از ترانه های دوستان جوان مثل «حسین میدری» می توانید استفاده کنید.

سعی کردم این جلسه کمی آسان و راحت الحلقوم باشد تا فرصتی دست دهد برای تمرین آموخته های جلسات قبل. حسابی تمرین کنید که جلسه ی بعد می خواهیم وزن رباعی را یاد بگیریم. قالبی که در ظاهر به دوبیتی شباهت داشته اما وزنی کاملاً متفاوت دارد.

جلسه یازدهم آموزش وزن

به زبان ساده

همه فکر می کنند که جذابیت رباعی فقط در کوتاهی آن است اما یادتان باشد که دوبیتی هم کوتاه بوده و بسیاری از قطعه های موجود در گلستان و... تنها دو یا سه بیت هستند. یکی از مهم ترین علل استقبال از رباعی، وزن آن و اختیارات شاعری زیادی است که می شود در آن استفاده کرد.

وزن اصلی رباعی این است:

\_ / U U \_ \_ / U U \_ \_ / U U \_ \_

که همانطور که قبلا خوانده ایم نامش می شود:

مستفعلُ مستفعلُ مستفعلُ فع

اما با استفاده از یک اختیار وزنی نادر (که بعدها فرا خواهیم گرفت) این وزن اصلی نیز از آن ساخته شده که در بسیاری از مصرع های رباعی ها به کار می رود:

\_ / U U \_ \_ / U \_ U \_ / U U \_ \_

که نامش می شود:

مستفعلُ فاعلاتُ مستفعلُ فع

حالا حساب کنید که همه ی دوهجای کوتاهی «U U» نیز می توانند در هر رکن به یک هجای بلند «\_» تبدیل شوند. و تمامی این اوزان ساخته شده می توانند در یک رباعی در کنار هم بیایند.

حالا با هم یک رباعی از خودم را مرور می کنیم:

من بودم و از جنس نبودن هوسی

من بودم از جنس نبودن هوسی

\_ / UU \_ \_ / UU \_ \_ / UU \_ \_

مستفعلُ مستفعلُ مستفعلُ فع

می گفت: نبایست به فردا برسی

می گفتن بایست ب فردا برسی

\_ / UU \_ \_ / UU \_ \_ / UU \_ \_

مستفعلُ مستفعلُ مستفعلُ فع

شاید برسم! ولی کجا؟ آه... چرا؟!!

شاید بر رسم ولی که جا آه چ را

\_ / U U \_ \_ / U \_ U \_ / U U \_ \_

مستفعلُ فاعلاتُ مستفعلُ فع

بر تخت قطار گریه می کرد کسی...

بر تخت ق طار گری می کرد کسی

\_ / U U \_ \_ / U \_ U \_ / U U \_ \_

مستفعلُ فاعلاتُ مستفعلُ فع

می بینید که ظاهراً وزن بیت اول و دوم فرق دارد اما کاملاً درست بوده و همه ی مصرع ها

از وزن های مطرح رباعی هستند.

# جلسه دوازدهم آموزش وزن

## به زبان ساده

امروز به بحثی می پردازیم که در عروض قدیم کمتر به آن برمی خوردید. یعنی آمدن دیالوگ ها (جملات محاوره ای) و کلمات غیرفارسی در شعر:

کلمه ی «پاندا» را تلفظ کنید. حالا تقطیع کنید:

--

کلمه ی «اژدها» را تلفظ کنید. حالا تقطیع کنید:

\_ U \_

حالا کلمه ی «آیدا» را تلفظ کنید. گوشتان آن را شبیه کدام کلمه ی بالا می داند؟ مطمئنا

«پاندا»!

اما حالا آن را تقطیع کنید:

\_ U \_

مشکل از کجاست؟

کلمه ی «آیدا» فارسی نیست! پس نباید مثل کلمات فارسی تقطیع شود.

مثال دیگری را از شعر «دهخدا» مرور می کنیم:



«خاک به سرم بچه به هوش اومده

بخواب ننه! یه سر و دو گوش اومده»

می بینیم که برای درست درآمدن وزن تقطیع «خاک» می شود: \_

و تقطیع «بخواب» می شود: U \_

پس جملات محاوره ای هم تقطیع متفاوتی دارند.

اگر در هر دو مثال دقت کنیم. نکته در سریع و با شدت خواندن «مصوت بلند» است که باعث می شود از کشیدگی هجای آن کاسته شود. پس اگر بخواهیم به صورت قاعده این موضوع را بیان کنیم، می شود:

در کلمات غیرفارسی (که تلفظ فارسی به خود نگرفته اند مثل اسامی خاص و کلماتی که جدیدتر وارد زبان شده اند) و همچنین جملات محاوره ای قاعده ای را به نام «تقلیل» رعایت می کنیم:

صامت + مصوت بلند --< «هجای بلند» نمی شود --< «هجای کوتاه»

صامت + مصوت بلند + صامت --< «هجای کشیده» نمی شود --< «هجای بلند»

در واقع در هر دو مثال ما یک درجه کاهش داریم.

مثلا کلمه ی «دیزپام» اگر فارسی بود و اسم خاص نبود می شد:

U \_ U \_ U

اما حالا که اسم خاص غیرفارسی است می شود:

\_ \_ U

و در واقع در هجاهای دوم و سوم تقلیل صورت می گیرد.

البته اسامی غیرخاص بعد از عزیمت به زبان فارسی گاهی تلفظ فارسی را به خود می گیرند یا هر دو تلفظ را دارند. مثلا «تابلو» هم دچار قاعده ی تقلیل می شود: \_ \_ هم گاهی در اشعار مثل کلمات فارسی تلفظ و تقطیع می شود.

همچنین کلماتی مثل رادیو، تلویزیون و...

این موضوع به خاطر زمان زیادی است که این کلمات در زبان فارسی بوده اند. اما مثلا

«کامپیوتر» همیشه دچار تقلیل می شود.

قاعده آن است که شما همیشه کلمات غیرفارسی را با قاعده ی «تقلیل» تقطیع کنید مگر

آنکه بعدا خلافتش ثابت شود.

حالا با خواندن این قاعده شما می توانید بسیاری از غزل های پست مدرن، اشعار ایرج میرزا، اشعار عشقی و... را که تا قبل از این نمی توانستید تقطیع کنید. می خواهیم در جلسه ی بعدی با آموزش پاره ای ظرائف عروض این بحث را تمام کنیم. فقط تمرین و تمرین را فراموش نکنید.

# جلسه سیزدهم آموزش وزن

## به زبان ساده

چند نکته:

۱- سक्ته: سक्ته در وزن به معنی استفاده از دو اختیار وزنی در یک رکن است. مثلا اگر در یک رکن هم از اختیار اشباع و هم از اختیار تسکین استفاده کنیم در گوش ایجاد سक्ته می کند. بهتر آن است که جز برای تعمد (مثلا تاکید یا ایجاد بریدگی آوایی یا...) از سक्ته استفاده نشود.

۲- ما حق نداریم هر وزنی که دلمان خواست را بسازیم. اوزان باید متحدا لارکان یا متناوب الارکان باشند. یکی از بهترین روش های ساخت وزن که «سیمین بهبهانی» از آن بهره برده ساختن وزن های دوری جدید است. اما در کل سعی کنید تا سال های سال و تسلط بسیار زیاد، طرف وزن جدید نروید.

۳- برای آموزش وزن، زیاد شعر بگویید و شعرهای غزلسرایان جوان را زیاد بخوانید. یادتان باشد که وزن ها زیاد هستند اما در واقع وزن های پر کاربرد چهار، پنج تا بیشتر نیستند که یادگیری گوشه و تسلط به آنها زیاد طول نمی کشد.

۴- وزنی که تکرار «فعولن» باشد (مثلا وزن شاهنامه ی فردوسی و بوستان سعدی) رکن هایش سه هجا، سه هجا جدا می شوند. این استثناء را حفظ کنید و سوتی ندهید. البته

چند استثناء دیگر هم هست که آن‌ها را بعدها در آموزش پیشرفته و بحث‌های غیرکاربردی وزن خواهیم گفت.

۵- ایراد وزنی هیچ توجیهی نداشته و ندارد. خروج از وزن آن هم به صورت استثناء و در خدمت و تعامل با محتوا گاهی در غزل پست مدرن پیش می‌آید که خود می‌تواند نشانه‌ی ایده‌ی تازه و قوت، یا عدم توانایی شاعر در ادامه‌ی قالب و ضعف باشد.

۶- روان‌شناسی عروض، مبحث جالب و گسترده‌ای است که قبلاً آن را در وبلاگ (سال‌های قبل) توضیح داده‌ام اما حتماً به صورت یک پست جداگانه دوباره در وبلاگ خواهیم آورد. یادتان باشد که هر وزنی با نوعی از محتوا تناسب دارد اما شاعرانی هم بوده‌اند که در وزنی ظاهراً نامناسب موفق به خلق شاهکار شده‌اند.

۷- از شعرهای دیگران تقلید کنید. مدل آنها شعر بسازید. حتی یک مصرع از شعر آنها را ادامه دهید. در راه و در خیابان به جای اس اس اس جواب دادن و دید زدن دیگران شعر بخوانید زیر لب. اینها فقط راز تسلط به وزن نیست. راز شاعر بزرگ شدن است. من خودم بارها توی ستون یا دیوار خورده‌ام و سرم زخمی شده‌ام!!

۸- یادتان باشد که قاعده ی تقلیل برای کلمات غیرفارسی است و فقط در همان دو حالتی که توضیح دادیم. کلمات فارسی مثل «دوربین» را نمی شود با قاعده ی تقلیل خواند یا کلمه ی غیرفارسی نظیر «باند» در هیچ کدام از موارد قاعده ی تقلیل نمی گنجد و باید مثل کلمات فارسی تقطیع شود.

۹- در این سیزده جلسه برای راحتی کار نوآموزان بسیاری از موارد را نگفته گذاشتیم. مثلاً ما رکن های پنج هجایی هم داریم یا اینکه قاعده ای به نام «قلب» هم در وزن هایی خاص به کار می رفته است. اما چون در شعر معاصر این قواعد و استثنائات کمتر به کار می روند به آنها نپرداختیم. همچنین است مبحث اسامی بحرهای عروضی و...

۱۰- در شعر نیمایی تقریباً همین قواعد برقرار است. اما مهم ترین تفاوت این است که تعداد رکن ها در مصرع های مختلف می تواند متفاوت باشد. انشالله بعدها در جلسات پیشرفته ی عروض به مباحثی نظیر شعر نیمایی، شعر سپید، تفاوت های عروض فارسی و عرب و... خواهیم پرداخت. یادتان باشد که این سلسله مباحث فقط آغاز راه است.

اگر وزن را یاد گرفتید و از تسلط به آن لذت بردید. آن را به دیگران هم یاد بدهید. زکات  
علمتان را هرگز فراموش نکنید. این تنها خواسته ی من از شماست. منی که خودم معلمی  
بزرگ در ۱۱ سالگی وزن را یادم داد و زندگی ام را به اینجایی کشاند که می بینید.

دوستتان دارم...



